

یهودیان بارفروش (بابل) و حمایت بریتانیا

(سال ۱۲۸۳ق. / ۱۸۶۶م.)

محمدعلی کاظم بیکی^۱

چکیده

ایران کشوری با تنوع قومی، مذهبی و فرهنگی است و این امتیاز در فقدان یک نظام اداری کارآمد می تواند به تقابل نیروهای اجتماعی و همچنین بروز مشکلات در سطح محلی و ملی منجر شود. در قرن دوازدهم هجری قمری / نوزدهم میلادی، شهر بارفروش (بابل کنونی) در استان مازندران واقع در جنوب دریای خزر، صحنه خشم اکثریت مسلمانان علیه اقلیت یهودی آن شهر شد که افزون بر خونریزی و چپاول، گرویدن اجباری یهودیان به اسلام را نیز به همراه داشت. این شرایط به نوبه خود موجب دخالت بریتانیا در مقام حمایت از یهودیان گردید (۱۲۸۳ق. / ۱۸۶۶م.). اگر چه این حادثه، پیش تر مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است، اما پژوهش حاضر با روش تاریخی - تحلیلی بر آن است تا از زاویه ای جدید به بررسی این رویداد بپردازد. برای این منظور به مطالعه حضور جامعه یهودی در بارفروش، روند حمایت انگلیس از یهودیان و همچنین راه حل دولت مرکزی برای برقراری نظم و امنیت در شهر می پردازد که مورد اخیر، مستلزم بازخوانی یک سند جدید آرشیوی است. یافته ها نشان می دهد که حضور جامعه یهودی با خاستگاه روستایی در شهر بارفروش سابقه چندانی نداشت و همین اقامت کوتاه می توانست مانع از درک متقابل و تعریف چارچوب تعامل طرفین شود، به ویژه اینکه نظام اداری مازندران فاقد توانایی لازم برای ساماندهی امور بود. واکنش هیجانی و ناسنجیده اکثریت مسلمان نسبت به اقلیت یهودی به سرعت جنبه دینی به خود گرفت. پیامد عدم اقدام دولت مرکزی، توسل یهودیان به سازمان های یهودی در بریتانیا بود که منجر به دخالت لندن در این حادثه شد. بدین ترتیب، اکثریت مسلمان نه تنها به خواسته خود نرسید، بلکه افزون بر جبران خسارت یهودیان، این فرصت را برای امپریالیسم بریتانیا فراهم کرد تا به عنوان حامی یهودیان تا پایان دوره قاجاریه در امور داخلی ایران مداخله کند.

▪ واژگان کلیدی:

قاجاریه، بریتانیا، یهودیان، بارفروش (بابل)، منازعات دینی.

مقدمه

لازمه سخن از تاریخ یهودیان ایرانی در دوران مدرن، توجه به افزایش چشمگیر تعداد پژوهش‌های دهه‌های اخیر در مورد آنها است. بخش اعظم این تحقیقات، قطع‌نظر از کیفیتشان، همان‌گونه که انتظار می‌رود، به خامه پیروان این دین آسمانی در خارج از ایران است. افزون آنکه همه این آثار به‌درستی بر دشواری‌ها، تبعیضات و عدم امنیت تأسفانگیز اقلیت یهودی در ایران عصر قاجاریه دلالت دارند. اما باید در نظر داشت که شرایط مذکور به یهودیان یا اقلیت‌های دیگر محدود نمی‌شد؛ به شهادت منابع اصلی و ادبیات پژوهشی پرشمار با موضوع ایران در عصر قاجاریه، اکثریت مسلمان کشور نیز از همان عوامل رنج می‌بردند. نویسندگان در موضوع تاریخ یهود در صورت رجوع مجدد به منابع اصلی و پژوهش‌های جدید می‌توانند به سهولت دریابند آنچه موجب آزار اسفبار یهودیان بود، گریبان‌گیر اکثریت مسلمان هموطن آنها نیز می‌شد. در واقع همه ایرانیان، اعم از اکثریت مسلمان یا اقلیت‌های دینی، به یکسان دچار کاستی‌های ناشی از ناکارآمدی نظام سیاسی-اداری، فقدان قانون و عدم اجرای یکسان تصمیمات حکومتی در تهران و ولایات بودند.

همچنین در منابع، گزارش‌ها و اشارات متعدد در دست است که بر درگیری میان مسلمانان و یهودیان در شهرهایی که جوامع یهودی برای قرون متمادی در آنها سکونت داشتند، دلالت دارد. در باره این موضوع که محتوا و پیام اصلی اکثر پژوهش‌ها در مورد یهودیان ایران است، باید توجه داشت که سبب برخوردها در همه موارد لزوماً دینی و یکسان نبود. اما از آنجاکه در منابع به‌جای سبب مواجهه، تنها به دین طرفین درگیری-اسلام و یهودیت - اشاره شده است، از این‌رو، معمولاً از تفاوت باور دینی به‌عنوان علت منازعات شهری میان اکثریت مسلمان و اقلیت یهودی یاد می‌شود. بدیهی است که چشم‌پوشی از قرن‌ها زندگی مسالمت‌آمیز و سخن از تفاوت دینی به‌عنوان انگیزه، سهل‌تر از پرداختن به علت واقعی رویارویی است. ناگفته نماند که چنین برخوردهایی هر سال در میان خود مسلمانان در قالب منازعات «حیدری-نعمتی» که اوج آن در ماه محرم بود، در شهرهای مختلف نیز رخ می‌داد (میرجعفری، ۱۳۸۹: ۵۲۱-۵۱۹).

نکته دیگر در مورد یهودیان ایران این هست که غالباً اقلیتی شهرنشین تصور می‌شوند، حال آنکه در عصر قاجاریه شمار قابل‌توجهی از آنها در مناطق روستایی سکونت داشتند و از همین رو، می‌توان کشاورزی را دست‌کم بخشی از مدار معیشت آنها به شمار آورد. به دلالت منابع در سده سیزدهم هجری قمری/نوزدهم میلادی در بارفروش، شماری از یهود ساکن

بودند که همانند هم‌کیشان خود در سایر شهرها، محله‌ای خاص موسوم به یهودی‌محله در شهر داشتند (Benjamin, 1859: 211)، هرچند استقرار در محله‌ای خاص می‌توانست جز دین، از عوامل دیگری چون جغرافیا و قومیت ناشی شده و شامل اکثریت مسلمان نیز بشود، چنانچه در آمل، شهر مجاور بارفروش، محلات بر اساس مناطق ییلاقی اهالی بود که بر سرمنشأ جغرافیایی و طایفه‌ای تقسیمات در این شهر دلالت دارد. به هر رو، تاکنون سابقه تاریخی سکونت یهود در بارفروش نه‌تنها در منابع اصلی، بلکه در آثار پژوهشگران نیز مسکوت مانده است.^۱

از سوی دیگر، زندگی یهودیان در بارفروش، ضمن افزایش مراودات و ارتباطات میان این اقلیت و اکثریت مسلمان و همچنین مزایای آن، می‌توانست با مشکلات و تنش میان طرفین نیز همراه باشد. در این زمینه، بارفروش در سال ۱۸۶۶م. شاهد یک چنین رویارویی میان اکثریت مسلمان و اقلیت یهودی گردید که دامنه آن با مداخله قدرت‌های اروپایی از یک رویداد محلی فزاتر رفت. تاکنون این درگیری مورد اشاره پژوهشگران متعدد قرار گرفته است،^۲ اما مقاله حاضر ضمن بررسی خاستگاه و سابقه سکونت یهود در بارفروش، به بازخوانی و بررسی سندی نویافته در مورد درگیری مسلمانان و یهودیان شهر در ۱۸۶۶م. و ارتباط آن با مداخله بیگانگان در امور داخلی ایران اختصاص دارد.

اشاره منابع به سکونت یهودیان در بارفروش تا اندازه‌ای جدید است. بر اساس شواهد موجود، نخستین گزارش‌ها در این زمینه و فعالیت یهودیان در چرخه اقتصاد محلی، قدمتی پیش از دهه ۱۸۴۰م. ندارند. بنا بر مشاهدات و تخمین مسافران اروپایی که به این شهر سفر کرده بودند، در سال ۱۲۶۰ق. / ۱۸۴۴م.، سال ۱۲۶۸ق. / ۱۸۵۲م. و سال ۱۲۷۶ق. / ۱۸۵۹م. به ترتیب ۶۰-۷۰ (Abbott, 1845: p. 90b; Holmes, 1845: 400, Appendix B)^(۳)، ۱۵۰ و ۸۵ خانوار یهودی در محله خاص خود در بارفروش ساکن بودند. اطلاعات تکمیلی حاکی از این است که محله مذکور در سال ۱۲۷۶ق. / ۱۸۵۸م. یک یا دو کنیسه و یک مدرسه اختصاصی برای کلیمیان نیز داشت (Mackenzie,

^۱. به عنوان نمونه در آثار فارسی، ر. ک. خسروی و زریاب، ۱۳۹۳؛ همدانی، ۱۳۸۱؛ در کتب و مقالات به زبان‌های غربی، حتی کارهای پژوهشگران یهودی نیز به تاریخ سکونت یهود در بارفروش توجهی نشده است، نک.

Netzer, 2007: 704-705; Sahim, 2010; Yeroushalmi, 2009: see index; Sarshar et al., 2009; De Planol et al. 2015.

^۲. توضیح آنکه سر ویلیام ریچارد هولمز با کنسول آبوت همسفر بود.

(1858: 56ff).^۱ این جمعیت در طول زمان افزایش یافت و در سال ۱۳۲۷ ق. / ۱۹۰۹ م. به ۷۴۲ نفر بالغ گردید (Rabino, 1913: 452-453). همین افزایش می‌تواند نشانه‌ای برای شرایط کمابیش مناسب معیشت و زندگی محسوب شود.

از سوی دیگر، در توصیف شهر بارفروش پنج گزارش تا اندازه‌ای مفصل دیگر از سده هیجدهم میلادی و دهه‌های نخستین سده نوزدهم میلادی نیز در دست است که همه آنها به قلم اروپائیان هست. س. گ. گملین^۲ (Gmelin, 2007: 242-244)، حضورش در ولایات حاشیه دریای خزر ۱۱۸۸-۱۱۸۴ ق. / ۱۷۷۴-۱۷۷۰ م.، سر ویلیام اوزلی^۳ (دو گزارش حضور در بارفروش ۱۲۲۷ ق. / ۱۸۱۲ م. (Ouseley, March 1912; idem, III, 1823: 290ff.))، جی. ب. فریزر^۴ (سفر به بارفروش در ۱۲۳۷ و ۱۲۴۸ ق.، دو گزارش: idem, II, 1838: 80ff; idem, 1826: 80ff.))، مشاهدات خود را در این شهر ثبت کرده‌اند. گفتنی است که در میان اینان، گملین و اوزلی دو شخصیت علمی و اهل تتبع به شمار می‌روند. در مشاهدات هیچ‌یک از افراد دسته اخیر ذکری از سکونت و محله یهودیان در بارفروش به چشم نمی‌خورد. بر اینان باید کاپیتان ر. ویلبراهام^۵ را نیز افزود که در سال ۱۸۳۷ م. سفری به بارفروش داشت. در سفرنامه او هم به سکونت یهودیان در این شهر اشاره نشده است (Wilbraham, 1839: 465ff.). افزون بر این، جای توجه دارد که یهودیان تا عصر قاجاریه در مازندران و مناطق همجوار آن، جوامع روستایی را تشکیل می‌دادند (لوی، ۱۳۳۹: ۳/۳۹۶، ۲۴۶-۲۴۵). از این رو، می‌توان حدس زد که مهاجرت یهودیان به بارفروش در سده نوزدهم و پس از سفر دوم فریزر در سال ۱۸۳۳ م. رخ داده باشد که شهر به سبب شیوع بیماری واگیردار خسارات جانی و مالی چشمگیری دیده بود (Fraser, II, 1838: 455ff; cf. *The Times*, Oct. 25, 1831). با توجه به کاهش چشمگیر جمعیت، شاید بتوان گفت در سال‌هایی که شهر می‌رفت تا خسارات و خرابی‌های ناشی از شیوع بیماری را جبران کند، مهاجرت یهودیان از روستا به شهر رخ داده باشد، به‌ویژه آنکه مناطق روستایی نیز از کاهش جمعیت و تولیدات ناشی از

۱. در ۱۲۷۶ ق. میرزا ابراهیم رشتی که با مکنزی همسفر بود، راجع به جامعه یهودی در بارفروش می‌نویسد که ۵۰ خانوار بودند و از ۳۰۰ سال قبل در آنجا زندگی می‌کردند؛ وی می‌افزاید: «دو باب تورات‌خانه و یک باب مکتب‌خانه» داشتند. ر. ک. میرزا ابراهیم، ۱۳۵۵: ۱۱۸.

۲. S. G. Gmelin

۳. Sir W. Ouseley

۴. J. B., Fraser

۵. Captain R. Wilbraham

۶. حتی دیوید دو بث هیلل روحانی یهودی که در دهه ۱۸۲۰ م. به ایران سفر کرد، آورده است که در مازندران - و نه بارفروش - حدود ۶۰ خانواده یهودی زندگی می‌کردند (Beth Hillel, 1832: 109).

شیوع بیماری در امان نمانده بودند (Kazembeyki, 2003: 12-13). از همین رو، می‌توان حدس زد که این شرایط موجب مهاجرت یهودیان از روستا به شهر شده باشد.

مؤید این نکته، گزارش سکونت آنها در بارفروش در آثار سیاحان دهه ۱۸۴۰ میلادی به بعد است که به آن اشاره شد. بدین ترتیب، هرگونه اظهارنظر در مورد وجود جامعه یهودیان در بارفروش پیش از تاریخ فوق مستلزم ارائه مستندات معتبر است.

حضور جامعه یهودی در بارفروش پیامدهای خود را برای آنها و شهر به همراه داشت. در بارفروش، یهودیان مهاجر از گروهی کشاورز با شیوه تولید روستایی به جمعیتی با الگوی معیشت شهری تبدیل شدند.^۱ میرزا ابراهیم رشتی سال ۱۲۷۶ق. / ۱۸۵۹م. در مورد جامعه یهودی بارفروش می‌نویسد که «معاش آنها از عرق‌فروشی و بزازی» بود (میرزا ابراهیم، ۱۳۵۵: ۱۱۸). از سوی دیگر، این مهاجرت و تغییر شیوه معیشت به معنی افزایش مراودات و ارتباطات در درون جامعه یهودیان و نیز با اهالی مسلمان شهر است. چنین روابطی برای طرفین تجربه‌ای جدید بود که می‌بایست به تدریج ضوابط آن تعریف شود. از سوی دیگر، چنانکه اشاره شد؛ این رابطه در کنار مزایا، تبعاتی ناخواسته را نیز به همراه داشت که می‌توان از آنها به‌عنوان کاستی نام برد. از جمله این کاستی‌ها می‌توان به افزایش موارد اصطکاک در روابط اقلیت یهودی با اکثریت مسلمان شهر و همچنین در مناسبات درونی جامعه آنها اشاره کرد. در مورد اخیر، از مشاهدات هنری آرون استرن^۲ که شخصاً در سال ۱۲۶۸ق. / ۱۸۵۲م. برای تبلیغ مسیحیت به بارفروش سفر کرده بود، می‌توان دریافت که جامعه یهود پس از استقرار در بارفروش دچار اختلاف داخلی و تفرقه شده بود. به گفته او، یهودیان با وجود شمار اندک، دارای ۶ کنیسه بودند و مراسم دینی خود را جدا از هم برپا می‌کردند (Stern, 1854: 263).

مناسبات میان اقلیت یهودی و اکثریت مسلمان شهر نیز با کاستی همراه بود، با این تفاوت که چنین رویارویی می‌توانست به سرعت شکل عقیدتی گرفته و به مواجهه و آشوب دینی تبدیل شود. از جمله چنین رویدادهایی باید به درگیری مسلمانان با همشهری‌های یهودی خود در سوم محرم ۱۲۸۳ق. / ۱۸م. اشاره کرد که با مرگ یک دختر مسلمان (به گفته منابع غیرمسلمان «مریض‌احوال») پس از چانه‌زنی با یک بزاز یهودی در مورد پس دادن پارچه ابتیاعی آغاز شد. وقوع این حادثه در نخستین دهه ماه محرم که زمان

^۱ برای سوابق چنین تغییر شیوه معیشت میان یهود بنگرید به: Bottici and Eckstein, 2007: 885-926

^۲ A. H. Stern

اوج احساسات مذهبی اکثریت مسلمان شهر بود، حمله اهالی به منازل، خسارت جانی، غارت اموال و تغییر آئین اجباری یهودیان در بارفروش را به دنبال داشت و خبر این درگیری در همان زمان به مطبوعات غربی راه پیدا کرد. به نظر می‌رسد نخستین گزارش مفصل در این زمینه به تاریخ ۱۸ جون ۱۸۶۶ به قلم خبرنگار *لوانت هرالد*^۱ در تهران بود (*Birmingham Daily Post*, 14 August 1866). آنگاه *پال مال گازت*^۲ (لندن) در مورد این رویداد، بدون اشاره به منبع خود و چگونگی آغاز درگیری و آشوب، چنین گزارش داد: «در ایران اهالی [بارفروش] مازندران در مراسم محرم شمار زیادی از یهودیان شهر را به‌مثل رساندند و بقیه را مجبور کردند که اسلام آورند» (*The Pall Mall Gazette*, August 4, 1866). سپس همین مضمون در برخی دیگر از جراید محلی بریتانیا نیز تکرار شد (*Birmingham Daily Post*, August 6, 1866; *Dundee Courier*, August 7, 1866). در فرانسه هم نشریات اختصاصی یهودیان بر اساس مطالب روزنامه‌ها خبر درگیری در بارفروش را با ۲۰ کشته بدون ذکر محل درگیری منتشر کردند (*Archives israélites de France*, 27- N°18, sept 1866: 831). این رویداد به گفته ح. لوی مورخ یهودی به قتل ۱۸ نفر از یهودیان منجر شده بود (لوی، ۱۳۳۹: ۷۰۰/۳). به هر رو، حادثه دل‌خراش بارفروش، ارسال شکایت از سوی سران یهود تهران و همدان به مجامع یهود خارج از ایران را در پی داشت.^۴

انتشار خبر رویداد بارفروش در لندن واکنش سر موسی مونت فیوره^۵ (۱۷۸۴-۱۸۸۵م)، بانکدار بزرگ، قهرمان یهود و رئیس هیئت نمایندگان یهود بریتانیا^۶ را به دنبال داشت که خود از طریق سران جامعه یهود همدان به‌طور مستقل از وقایع بارفروش مطلع شده بود.^۷

^۱. *Levant Herald*

لوانت هرالد روزنامه دوزبانه‌ای بود که در فاصله سال‌های ۱۹۱۴-۱۸۵۶م. در استانبول منتشر می‌شد.

^۲. *The Pall Mall Gazette*

^۳. به نقل از روزنامه *Moniteur du soir*

^۴. لوی در رابطه با تلفات، روایت تردیدبرانگیز دیگری را نیز ثبت کرده است که بنا بر آن، تعداد مقتولین یهودی تا حدود ۶۰ نفر بالغ می‌شد. (لوی، ۱۳۳۹: ۶۴۱/۳). مون سی تعداد تلفات را ۲۴ نفر نوشته است (Mounsey, 1871: 161) و همچنین تکرار آن در Piggot, 1874: 274. گفتنی است که گزارش‌های متعدد در مورد این رویداد و تلفاتش گردآوری شده است. برای صحت مفاد همه گزارش‌های مربوط به این واقعه اسفبار، دلیلی در دست نیست، به‌ویژه آنکه با تخمین‌های پیش گفته در مورد جمعیت یهودیان چندان سازگاری ندارند.

^۵. Sir Moses Montefiore

^۶. The Board of Deputies of British Jews

^۷. برای متن شکایت سران یهودیان تهران به تشکیلات یهود در اروپا، رک.

"Letter by the Heads of the Jewish community of Tehran to Jewish Organizations of Europe with regard to the state of the community of Barfurush, following the Pogrom in that community in May 1866," in Yerousalmi, 2009: 286-293 (source 35);

وی مجدانه از دولت بریتانیا درخواست کرد که در ماجرای بارفروش به سود یهودیان مداخله کند (Loewe, II, 1890: 190ff). گفتنی است که چند ماه قبل و در آغاز همان سال، مونت فیوره از طریق جلب توجه دولت بریتانیا به اجحافات مأموران حکومتی ایران به یهودیان، از طریق وزارت امور خارجه بریتانیا موفق به صدور فرمانی از سوی ناصرالدین شاه برای جلوگیری از سوء رفتار با یهودیان شده بود

Pall Mall Gazette; Morning Post; Standard all on 31 Jan. 1866; cf. Loewe, chapters: 24 and 25).^۱

سیاست حمایت لندن از یهودیان، انگیزه‌های خود را داشت. پیش از این ا. گرین^۲ نشان داده است که چگونه آمیزه‌ای از اهداف توسعه طلبانه و استعمار در کنار مقاصد بشردوستانه، انگیزه اتخاذ چنین سیاستی بوده است (Green, 2008).^۳ در مورد ایران با توجه به جایگاه راهبردی آن، باید گفت که همان عوامل در کنار تدابیر امنیتی برای حفظ مستعمره هندوستان می‌توانست به تشدید انگیزه بریتانیا کمک کرده باشد. در رابطه با حمایت بریتانیا از یهودیان ایران گفتنی است که پیش از واقعه بارفروش، به هنگام مذاکرات صلح ایران و بریتانیا پس از جنگ دوم هرات (۱۸۵۷-۱۸۵۶ م.)، لندن به ابتکار خود تمایل برای جانبداری از یهودیان به نمایش گذاشته بود. در آن زمان از سوی بریتانیا موضوع پذیرش یهودیان هراتی که به ایران انتقال یافته بودند، مطرح شده و چارلز موری^۴ کنسول بریتانیا در تهران، در حالی در مورد لزوم پذیرش و حسن برخورد دولت ایران با آنها پافشاری می‌کرد که در ایران به سبب پیشرفت مذاکرات صلح، اشتیاق فراوانی برای بهبود سریع مناسبات دوجانبه با بریتانیا به چشم می‌خورد (Green, 2008: 198; for improvement of the

توضیح آنکه در پاورقی صفحات فوق شرحی در مورد حوادث بارفروش آمده است؛ برای شکایت همچنین ر. ک. لوی، ۶۹۵/۳ به بعد.

۱. برای سابقه یهودیان همدان در انتقال رویدادهای مربوط به هم‌کیشان خود در ایران به تشکیلات یهود در اروپا، به عنوان نمونه ر. ک. به شکوائیه مورخ ۹ ژانویه ۱۸۶۵ آنها به *آلیانس جهانی یهود*.^۱ در مورد بی‌توجهی شاه و حکومت ایران به اوضاع ناگوار یهود در

“Persécution Israélite, communications de la Perse,” *Archives Israélites*, 26(1865), pp. 299-301.

۲. A. Green

۳. در مورد اقدامات مونت فیوره و وزارت امور خارجه بریتانیا برای رعایت حقوق یهودیان در ایران و فرمان ناصرالدین شاه به سپهسالار در این زمینه، ر. ک.

L'Univers israélite, 21(1866), pp. 297ff.

۴. Charles Murray

تفاوت داشت و ورودش به منازعه در پاسخ به درخواست یهودیان ایران بود.^۱ در فضای حاکم بر مناسبات لندن-تهران، تعلل و تأخیر مقامات محلی یا دولت ایران در پایان دادن به منازعه بارفروش، می‌توانست مانع از ارتقای روابط دوجانبه شود. در عوض، همکاری تهران قادر به تسهیل بهبودی در این مناسبات بود. به هر رو، با عزم لندن برای حمایت از یهودیان بارفروش، مداخله چارلز آلیسون^۲ وزیرمختار بریتانیا در تهران، در رخداد بارفروش آغاز شد؛ بدین ترتیب رویداد موردبحث از موضوعی داخلی فراتر رفت و به موضوعی در روابط خارجی و بستر مناسبات رو به بهبودی ایران-بریتانیا تبدیل شد. در این رابطه، گذشته از اسناد دیپلماتیک موجود، شاید مشروح‌ترین گزارش در مورد رویارویی مسلمانان و یهودیان در بارفروش را مونت فیوره (راجع به اقدامات در لندن) و آگوستوس مون سی^۳، دیپلمات و فعال میدانی بریتانیایی ثبت کرده باشند (البته بدون اشاره به سبب درگیری). توضیح آنکه وی از آغاز سال ۱۸۶۶م. نه تنها در ایران به سر می‌برد، بلکه به‌طور شخصی با وزیرمختار بریتانیا برای حمایت از یهودیان بارفروش کوشیده بود. در گزارش او دشواری‌های دولت ایران برای بررسی علل درگیری، تنبیه مجرمین، جبران خسارات یهودیان و نیز مداخله بریتانیا را می‌توان یافت. به هر رو، با مداخله بریتانیا و اقدام دولت ایران، رویداد بارفروش خاتمه یافت و یهودیان اجازه پیدا کردند که بر دین خود باقی بمانند (Mounsey, 1872: 273-282).^۴

در باره مداخله بیگانگان در رویداد بارفروش ذکر این نکته ضرورت دارد که بنا بر گزارش *لوانت هرالد* در تهران، دولت ایران افزون بر بریتانیا از سوی سایر نمایندگی‌های خارجی نیز تحت فشار بود تا هر چه زودتر به اوضاع اسفبار یهود در بارفروش خاتمه دهد.^۵ دیگر آنکه در لندن در کنار مونت فیوره، یکی دیگر از یهودیان سرشناس موسوم به سر فرانسیس ه. گلداسمید^۶ نیز برای حمایت از یهود بارفروش تلاش می‌کرد. وی نیز صفحاتی از *خاطرات* خود را به یهودیان ایران و به‌ویژه رویداد بارفروش اختصاص داده است (Goldsmid, 1882: 195-197).

^۱ برای نحوه دخالت لندن در امور یهود ایران، همچنین نک. Tsadik, 2005: 97

^۲ Charles Alison

^۳ A. Mounsey

^۴ برای حمایت او از یهود، افزون بر مطالب کتابش، نک. Yeroushalmi, 2009: 288

^۵ در این زمینه بنگرید به: *Birmingham Daily Post*, 14 August 1866 به نقل از *لوانت هرالد*.

^۶ Sir F. H. Goldsmid

اشاره به این نکته بی‌مناسبت نیست که در نخستین سفر ناصرالدین شاه به اروپا، تشکیلات یهود بریتانیا در ملاقاتی با شاه در لندن موفق شدند که موافقت وی با حسن رفتار با یهود و مساوات ایشان با سایر اتباع ایران در برابر قانون را تحصیل کنند (Times, 29 July 1873).^۱ بدین ترتیب، یک‌بار دیگر تحرکات ناسنجیده و احساسی مردم با ایجاد مشکل برای دولت ایران، راه را برای دخالت بیشتر قدرت‌های بزرگ غربی در امور داخلی کشور هموار کرد. تاکنون موضوع رویارویی مسلمانان و یهودیان در بارفروش که در دو مرحله در سال ۱۲۸۳ ق. رخ داده بود، بر اساس اسناد کارگزاری مهمم خارجه در بارفروش (آذری شهرضایی، ۱۳۹۳) و نیز اسناد وزارت امور خارجه بریتانیا و فرانسه مورد مطالعه قرار گرفته است (Tsadik, 2007: Chapter Three). با این حال، اطلاعاتی وجود دارد که رجوع به آنها می‌تواند به رفع ناگفته‌های رخداد مذکور کمک کند. در زمینه واکنش و راه‌حل دولت ایران برای رفع تنش موجود در بارفروش و در نتیجه جلوگیری از ادامه مداخله بریتانیا در امور داخلی ایران، سندی در کتابچه عهدنامه‌جات و قرارنامه‌جات دولت علیه [ایران] با سایر دول متحابه و کامپانی‌ها و تبعه آنها در آرشیو وزارت امور خارجه ج. ا. ایران وجود دارد که تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است. بدیهی است سبب حفظ این سند که مربوط به رویدادی داخلی است، در میان عهدنامه‌جات و قرارنامه‌جات دولت ایران با دول متحابه و کامپانی‌ها و تبعه آنها به سبب حمایت بریتانیا از یهودیان ایران است. دنباله مقاله حاضر به بازخوانی این سند اختصاص دارد که افزون بر تلاش دولت ایران و ناصرالدین شاه در مورد رفع این درگیری، حاوی اطلاعاتی مفید راجع به سوابق جامعه یهود بارفروش و نیز دعاوی متقابل اهالی مسلمان شهر است.

قرارداد کارهای جماعت یهود بارفروش

۱۲۸۳ [ق.].^۲

موافق طومار قلمدادی یهود که اموال آنها را غارت کرده‌اند، رسیده؛ موافق طومار^۳ [مبلغ]

^۱. در سال‌های اخیر، موضوع تاریخ حقوق بشر و اقدامات بین‌المللی در این زمینه در سده ۱۹ میلادی مورد توجه قرار گرفته است. باوجود این، نقش منافع و اهداف امپریالیستی به‌عنوان انگیزه قدرت‌های بزرگ به‌منظور مداخله در سایر کشورها تحت لوای حمایت از حقوق بشر به‌گونه‌ای شایسته مورد بررسی قرار نگرفته است؛ به‌عنوان نمونه: ر. ک. Swatek-Evenstein, (2020); Klose (ed.) (2016).

^۲. نویسنده از همکاری مغتنم دکتر مصطفی حسینی در بازخوانی این سند تشکر می‌کند.

^۳. فی‌الاصل: دومار

۱۸۰۰۰ تومان که پس از وضع ۲۰۰۰ تومان، برابر ۱۶۰۰۰ تومان [است]؛
[تنخواهی که برای جبران خسارت به یهود] داده می‌شود:
۱۱۵۰۰ تومان [از قرار]:

نقد: ۵۰۰۰ تومان؛ تمسکات تجار بارفروش: ۶۵۰۰ تومان؛ سایر: ۴۵۰۰ تومان.

حرف بارفروشی‌ها این است: اولاً جماعت یهود طومار اموال منهوبه خودشان را موافق دلخواه بی‌اندازه و بی‌حساب قلمداد کرده‌اند و این قدرها و به این اندازه اموال در مقابل ۴۵۰۰ تومان آنها را نبرده‌اند. به محض ادعا که نمی‌توان این قدر پول داد. موافق قانون و اصول کل دول و ملل ما هم در مقابل حرف حسابی داریم. ثانیاً جماعت یهود مال‌التجاره [ای را] که از تجار بارفروش خریده‌اند، هنگام غایله همان جنس در بارفروش موجود نبود و قبل از وقت مالها را حول و حوش بارفروش فروخته بودند و این جنس از بابت ۶۵۰۰ تومان تمسکات تجار است که بعینها از اهالی دهات طلبکارند، تمسکات تجار که به آنها داده شود چهار هزار و پانصد تومان از این بابت محسوب دارند. دو هزار تومان که باقی می‌ماند، انعام و گذشت آنها باشد. ثالثاً محمدجعفر خان آدم جناب اعتضادالدوله [والی مازندران] می‌گوید مطالباتی که یهود از اهالی آنجا دارند از بابت تمسکات ۶۵۰۰ تومان به من واگذارند، من ۴۵۰۰ تومان آنها را از عهده برمی‌آیم یا [در غیر این صورت] حرف بی‌حساب و خلاف قاعده نزنند.

در باب مسکن آنها چون میان یهود و بارفروش [ها] که غایله قتل و غارت اتفاق افتاده، مصلحت آنها مقتضی نیست که بعد از این در بارفروش سکنی بگیرند. بهتر این است در قریه کیاکلا که از قدیم هم یهود در آنجا سکنی داشته و حالا نیز قوم و خویش دارند، مسکن بگیرند و اگر آنجا هم نخواسته باشند توطن نمایند، در طهران توقف نمایند.

پنج هزار تومان وجه نقد و تمسکات تجار بارفروش و قیمت زمینهای یهود را اگر خواسته باشند بفروشند والا آن دو فقره وجه نقد و تمسکات را به ورود یهود به بارفروش، محمدجعفر خان آدم جناب اعتضادالدوله که حامل این دو فقره است، همه یهود را جمع کرده، به اطلاع هر یک از علمای عظام و علمای آنجا که یهود خواسته باشند، وجه نقد و تمسکات را به آنها تمام و کمال تحویل داده، قبض رسید به مهر آنها و علمای فخام آن ولایت معتبر کرده به دربار همایون بیاورد.

به جهت التیام و اصلاح میان یهود و بارفروشیها قرار بر این شد که محبوسین بارفروش مدت هشت نه ماه است در حبس می‌باشند، البته تنبیه و تأدیب آنها به عمل آمده، برای رفع

کدورت طرفین و دعاگویی دوام عمر و دولت شاهنشاه عالمیان پناه روحنا فداه در این شب عید مرخص بشوند. این پنج نفر در تهران بمانند از قرار ذیل:

محمدعلی، قاسم زاق^۱، محمدعلی نجار، اسماعیل پسر آقا رحیم، حسن پسر صادق و سایر [این] به بارفروش رفته، مشغول کاسبی و دعاگوئی باشند.

در باب زمین خانه‌هایی^۲ [که] یهود در بارفروش به ملکیت دارند، قرار شد که جناب اعتضادالدوله به [امیرزا علینقی] ملک‌التجار^۳ قدغن نمایند زمینهای خانه‌های^۴ آنها را موافق قیمت عادله امروز فروخته، تنخواه آنها را بفرستد.

هر چه از این زمینها و خانه‌ها که به‌طور رهن یا بیع شرط سوای ۶۵۰۰ تومان به اهالی بارفروش مقروض باشند، وقت فروختن این زمین‌ها طلب اهالی آنجا را وضع کرده، مابقی تنخواه را به ملک‌التجار به‌قاعده حق و حساب و امانت بفرستد که به یهود داده شود [تا] در تهران یا هر جا خواسته باشند خانه و ملک بخرند و بسازند.

زمینهای بیاض آنها را با خانه‌های ساخته و با اعیان درست نمایند [که] هر کدام از آنها موافق قیمت عادله و معمول ولایت فروخته شود و خلاف دیانت و رسم معمول به عمل نیاید. ۱- عوض تنخواه تجار به این تفصیل جابه‌جایی شود که تمسکات آنها به یهود رد بشود:

۱۱۵۰۰ تومان

۲- به التفات ملوکانه اعلیحضرت شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطان به‌رسم انعام دوساله مرحمت خواهند نمود ان‌شاءالله تعالی:

در توشقان ئیل: ۳۰۰۰ تومان

در لوی ئیل: ۱۵۰۰ تومان

۳- جناب اعتضادالدوله و مقرب‌الخاقان وزیر مازندران خواهند داد ان‌شاءالله تعالی [در] دو سال:

۳۵۰۰ [مجموعاً] تومان [از قرار]

وزیر مازندران (۱۷۵۰ تومان)

جناب اعتضادالدوله (۱۷۵۰ تومان)

۸۷۵ تومان

۸۷۵ تومان

توشقان ئیل:

۸۷۵ تومان

۸۷۵ تومان

لوی ئیل:

۱. فی‌الاصل: زاق

۲. همه‌جا "خانها"

۳. فی‌الاصل: ملک تجار

۴. خانه‌های

چون میل کلی جماعت یهود به توطئه [در] بارفروش است، به جهت این که از قدیم در آنجا سکنی و تجارت و گذران داشته‌اند و به اعتقاد خودشان نمی‌توانند در ولایتهای دیگر سکنی و کاسبی نمایند، لهذا اقرار داده شد که جناب اعتضادالدوله به جنابان [حجه الاسلام] حاجی [ملأ محمد] اشرفی^۱ و آقا سید ربیع [مجتهد بارفروشی]^۲ و سایر علمای آنجا و تجار بنویسند چنان که ایشان هم تصدیق کردند و اطمینان دادند برای سکنی گرفتن آنها در بارفروش بسیار خوبست و آلا معلوم خواهد شد که صلاح آنها در سکنی گرفتن [در] بارفروش نیست.

سواد دستخط شاهنشاهی روحنا فداه:

صحیح است، از همین قرار معمول دارند

۸۳ [۱۲].^۳

در باره اجرای پیشنهادات گزارش فوق که مورد تأیید شاه قرار گرفته و نیز حاصل تلاش‌های دولت برای مصالحه و جبران خسارات یهود بارفروش بود، این اشاره به‌جا است که دولت مانند بسیاری از تصمیمات مالی در عمل با موانع مواجه گردید. مون سی^۴ نشان داده است که چگونه مبلغ مورد توافق در نتیجه سودجویی مأموران و ناکارآمدی نظام اداری به مقدار چشمگیری کاهش یافت و آنچه به خسارت دیدگان پرداخت شد، کمتر از توافق اولیه بود، سرنوشتی که در مورد مطالبات مالی اکثریت مسلمانان از دولت هم صدق می‌کرد.

نتیجه‌گیری

استقرار جامعه یهود در بارفروش سابقه‌ای طولانی‌تر از دهه ۱۸۴۰ میلادی ندارد و در آن زمان، شهر و روستاهای مجاور آن با کاهش شدید جمعیت مواجه شده بود. در مورد این اقلیت باید به خاستگاه روستایی آنها- قریه کیاکلا در حومه بارفروش- و نیز اشتغال به خرده‌فروشی در مناطق روستایی اشاره کرد.^۵ این مدار معیشت می‌توانست راه را برای

۱. در مورد این شخصیت، ر.ک. اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱۹۴.

۲. همچنین در مورد این شخصیت، ر.ک. اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۲۱۳.

۳. سواد عهدنامه‌ها، ش ۲ (کتاب عهدنامه‌جات و قرارنامه‌جات دولت علیه با سایر دول متحابه و کامپانی‌ها و تبعه آنها سوای قرارنامه صاحب‌منصبان و امثال آنها مورخه شهر جمادی‌الثانی سنه ۱۲۸۰ [به بعد]، آرشیو وزارت امور خارجه ج.ا. ایران، برگ ۲۰-۱۹).

۴. در این زمینه بنگرید به مون سی، ۱۸۷۲: ۲۸۱.

۵. در مورد سابقه سکونت یهود در روستای کیاکلا، همچنین قس لوی، ۱۳۳۹: ۲۴۵/۳.

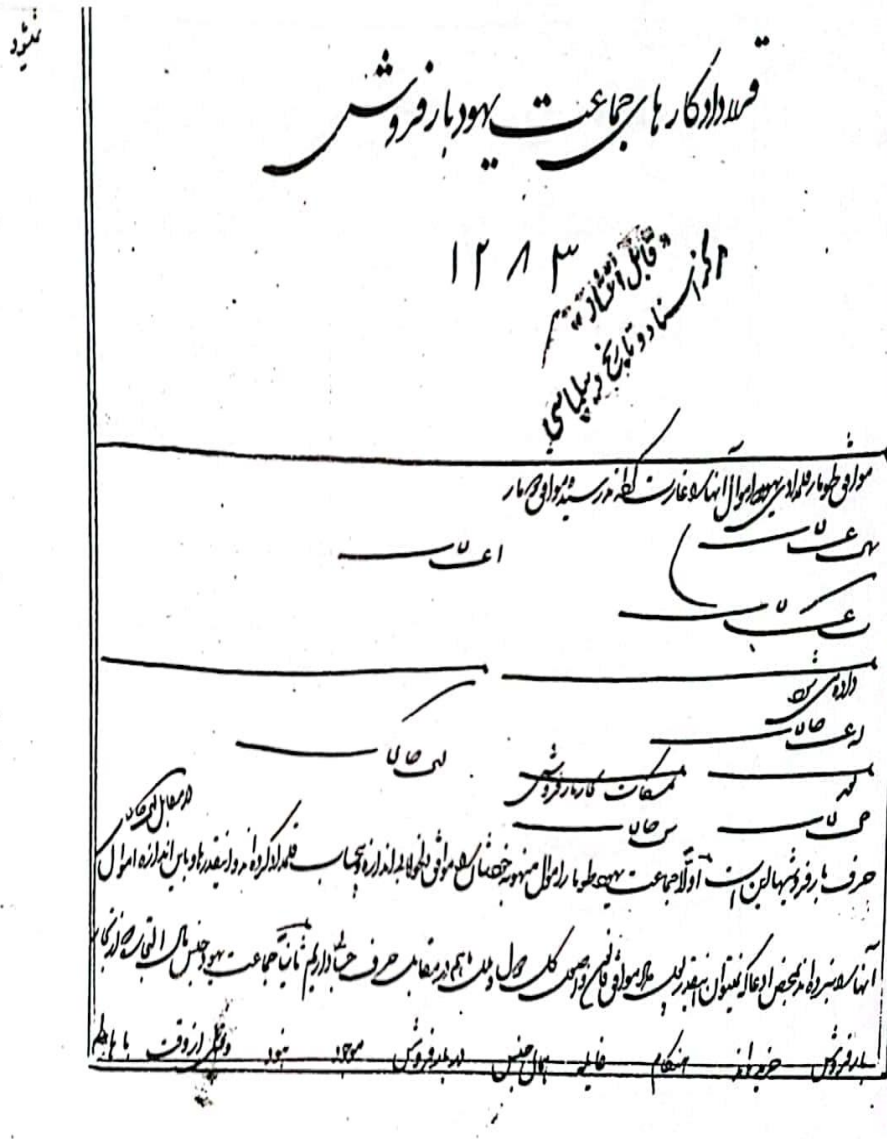
کسب و کار شهری یهود در بارفروش هموار کند، به ویژه آنکه کاهش جمعیت و خسارات ناشی از شیوع طاعون چنین فعالیت‌هایی را برای احیای شهر ممکن می‌کرد.

واکنش اهالی بارفروش نسبت به مرگ دختری مسلمان، هرچند مردمی و برخاسته از باورها و احساسات دینی، می‌توانست یک ریشه در مدت کم حضور یهودیان در شهر داشته باشد که نتیجه‌اش فقدان پیوندهای لازم برای تعامل شهری میان اکثریت مسلمان و اقلیت یهودی بود.^۱ از سوی دیگر، تقابل با اقلیت در عمل نه تنها نتیجه دلخواه اکثریت را به بار نیاورد، بلکه با هموار کردن راه برای مداخله بریتانیا در امور داخلی کشور، موضوع استقلال و روابط خارجی ایران را بیش از پیش آسیب‌پذیر کرد. به همین سبب بود که سواد سندی مربوط به امور داخلی، در کتابچه *عهدنامه‌جات و قرارنامه‌جات دولت علیه [ایران]* با سایر دول *متحابه و کامپانی‌ها و تبعه آنها* در آرشیو وزارت امور خارجه ثبت و ضبط گردید. افزون بر این، سیاست حمایت لندن از یهودیان ایران به نوبه خود موضوعات داخلی کشور را بیش از پیش به مناسبات با قدرت‌های بزرگ پیوند می‌زد؛ به ویژه آنکه چنین رویدادهایی می‌توانست با دادن مستمسکی جدید برای مداخله قدرت‌های بزرگ، شرایط داخلی ایران را تحت فشار خود قرار دهد.

نکته پایانی آنکه مفاد سند مورد بحث، روشن‌گر سیاست و واکنش دولت مرکزی به درگیری میان اکثریت مسلمان و اقلیت‌های دینی است. بنابراین سند، ظاهراً تهران به دستگیری و زندان چندماهه انگشت‌شماری از مسلمانان دخیل در درگیری و جبران ضرر یهودیان بسنده کرد، هرچند که از دیدگاه اکثریت مسلمان شهر، دعاوی یهود در مورد خسارات مادی‌شان با واقعیت همخوانی نداشت و آنها فرصت‌طلبانه مبلغ بیشتری را مطالبه می‌کردند. افزون آنکه جبران بخشی از خسارات ناشی از درگیری مسلمانان و اقلیت یهودی بر عهده دولت افتاد. به رغم سکوت منابع، رویداد اسفبار بارفروش با هر انگیزه و دامنه‌ای که بود، نه تنها مانع از تداوم خودخواسته سکونت، زندگی و افزایش شمار یهودیان در شهر نشد، بلکه موجبات وحدت و انسجام جامعه یهودیان شهر را فراهم آورد که کاهش تعداد کنیسه‌ها و مدارس یهودیان در بارفروش در سال‌های بعد می‌تواند نشانه همین رفع اختلاف داخلی یهود محسوب شود.

^۱ همان گونه که در آغاز سخن ذکر گردید، در مورد درگیری‌های متعدد مسلمانان با یهودیان در ایران در شهرهایی که جوامع یهودی برای قرون متمادی در آنها سکونت داشتند، باید توجه داشت که سبب برخوردها در همه موارد لزوماً یکسان نبود.

۷۲ □ فصلنامه تاریخ روابط خارجی، س ۲۴، ش ۹۳، زمستان ۱۴۰۱



متن قرارداد کارهای جماعت یهود بارفروش

(آرشیو وزارت امور خارجه، اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی، سواد عهدنامه‌ها، ش. ۲، کتاب عهدنامه‌جات و قرارنامه‌جات دولت علیه با سایر دول متحابه و کامیانی‌ها و تبعه آنها سواى قرارنامه صاحب‌منصبان و امثال آنها، مورخه شهر جمادى‌الثانى سنه ۱۲۸۰ [قمرى به بعد]، برگ‌های ۲۰ و ۱۹).

منابع و مآخذ

اسناد:

وزارت امور خارجه ج.ا. ایران، آرشیو اداره حفظ و نگهداری اسناد

سواد عهدنامه‌ها، ش ۲ (عهدنامه‌جات و قرارنامه‌جات دولت علیه با سایر دول متحابه و کامپانی‌ها و تبعه آنها
سوی قرارنامه صاحب‌منصبان و امثال ایشان مورخه شهر جمادی‌الثانی سنه ۱۲۸۰ [ق.ا].

UK, National Archives

Abbott, K. E., Narrative of a Journey from Tabreez along the Shores of the Caspian Sea to Tehran, 1843-1844, FO 60/108.

MacKenzie, C. F., Narrative of a Journey from Resht in Gilan, through Mazandaran to Asterabad during the Winter and Spring of 1858, FO 60/245.

Ouseley, Sir W., Journal into Mazandern, March 1812, FO 60/7.

کتاب‌ها و مقالات

فارسی:

آذری شهرضایی، "کلیمیان بارفروش و مشکلات آنها در دوره قاجار،" گفتگو، ۱۳۹۳، شماره ۶۴، صص. ۱۶۳-۱۵۱.
اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، ۱۳۶۳، *المآثر و الآثار*، به کوشش: ایرج افشار، تهران: اساطیر
خسروی، خسرو و عباس زریاب، ۱۳۹۳، "بابل،" *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۱، تهران، صص. ۹۲-۸۴.
رشتی، میرزا ابراهیم، ۱۳۵۵، *سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان*، به کوشش: مسعود گلزاری، تهران:
انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

لوی، حبیب، ۱۳۳۹، *تاریخ یهود ایران*، ج ۳، تهران: بروخیم.

میرجعفری، ح. ۱۳۸۹، "حیدری- نعمتی،" *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۱۴، تهران، صص. ۵۲۱-۵۱۹.
ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۷، *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر اول فرنگستان*، به کوشش: فاطمه
قاضیها، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.

همدانی، علی‌کرم، ۱۳۸۱، "بابل،" *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱۱، تهران، صص. ۲۸-۲۶، تهران: مرکز
دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.

لاتین:

Benjamin II, J. J., 1859, *Eight Years in Asia and Africa, from 1846-1855*, Hanover.

Beth Hillel, Rabbi D. d', 1832, *The Travels from Jerusalem, through Arabia, Koo Part of Persia, and India, to Madras*, Madras.

Bottici, M. and Z. Eckstein, 2007, "From Farmers to Merchants, Conversion and Diaspora: Human Capital and Jewish History," *Journal of the European Economic Association*, 5: No. 5, 885-926.

- Fischel, W. J., 1950, "The Jews of Persia, 1795-1940," *Jewish Social Studies*, 12: No. 2, 119-160.
- Fraser, J. B., 1838, *A Winter's Journey from Constantinople to Tehran*, vol. II, R. Bentley, London.
- _____, 1826, *Travels and Adventures in the Persian Provinces on the Southern Banks of the Caspian Sea*, Longman, London.
- Gmelin, S. G., 2007, *Travels through Northern Persia, 1770-1774*, trans. W. Floor, Mage, Washington DC.
- Goldsmid, Sir F. H., 1879, *Memoir of sir francis Henry Goldsmid*, C. K. Paul & Co, London.
- Green, A., 2008, The British Empire and the Jews, An Imperialism of Human Rights, *Past & Present*, 199:1, 175–205.
- Holmes, W. R., 1845, *Sketches on the Shores of the Caspian*, R. Bentley London.
- Kazembeyki, M. A., 2003, *Society, Politics and Economics in Mazandaran, Iran, 1848-1914*, RoutledgeCurzon, London.
- Klose, F. (ed.), 2016, *The Emergence of Humanitarian Intervention, Ideas and Practice from the Nineteenth Century to the Present*, Cambridge University Press, UK.
- Littman, D., 1979, "Jews under Muslim Rule: the case of Persia," Reprinted from *The Wiener Library Bulletin*, 32, 2-15.
- Loewe, L. (ed.), 1890, *Diaries of Sir Moses and Lady Montefiore*, vol. II, Griffith, Farran, Okeden & Welsh, London.
- Mounsey, A. H., 1872, *Journey Through the Caucasus and the Interior of Persia*, Smith, Elder, London.
- Netzer, A., 2007, "Mazandaran," *Encyclopaedia Judaica*, Vol. 13, 2nd ed, USA, 704-705.
- Ouseley, Sir W., 1823, *Travels in Various Countries of the East, more particularly Persia*, vol. III, Rodwell and Martin, London.
- de Planhol, X., S. Blair and Mohammad Hossein Nejatian, "BĀBOL", *Encyclopaedia Iranica Online*, <http://dx.doi.org/10.1163/2330-4804_EIRO_COM_11686>, retrieved on 07 April 2023.
- Piggot, E., 1874, *Persia- Ancient & Modern*, H. S. King, London.
- Rabino, H. L., 1913, "A Journey in Mazandaran (From Resht to Sari)," *The Geographical Journal*, 42, 435-454.
- Sahim, H., 2010, "Mazandaran", *Encyclopedia of Jews in the Islamic World*, <http://dx.doi.org/10.1163/1878-9781_ejiw_SIM_0014930>, consulted online on 05 April 2023.
- Sarshar, H. et al., 2009, "Judeo-Persian Communities", *Encyclopaedia Iranica Online*, <http://dx.doi.org/10.1163/2330-4804_EIRO_COM_4089> retrieved on 07 April 2023.
- Stern, H. A., 1854, *Dawnings of Light in the East: with Biblical, historical, and statistical notices of persons and places visited during a mission to the Jews, in Persia, Coordistan, and Mesopotamia*, C. H. Purday, London.
- Swatek-Evenstein, M., 2021, *A History of Humanitarian Intervention*, Cambridge University Press, UK.
- Tsadik, D., 2007, *Between Foreigners and Shī'īs: Nineteenth-Century Iran and its Jewish Minority*, Stanford University Press, Stanford.
- _____, 2005, "Religious disputations of Imāmī Shī'īs against Judaism in the late eighteenth and nineteenth centuries," *Studia Iranica*, 34:1, 95–134.
- Wilbraham, R., 1839, *Travels in the Trans-Caucasian Provinces of Russia*, J. Murray, London.
- Yeroushalmi, D., 2009, *The Jews of Iran in the Nineteenth Century*, Brill, Leiden.

نشریات تاریخی:

Archives Israélites (Paris, France)
Birmingham Daily Post (Birmingham, UK)
Dundee Courier (Dundee, UK)
Morning Post (London, UK)
Pall Mall Gazette (London, UK)
Standard (London, UK)
Times (London, UK)
L'Univers israelité (Paris, France).